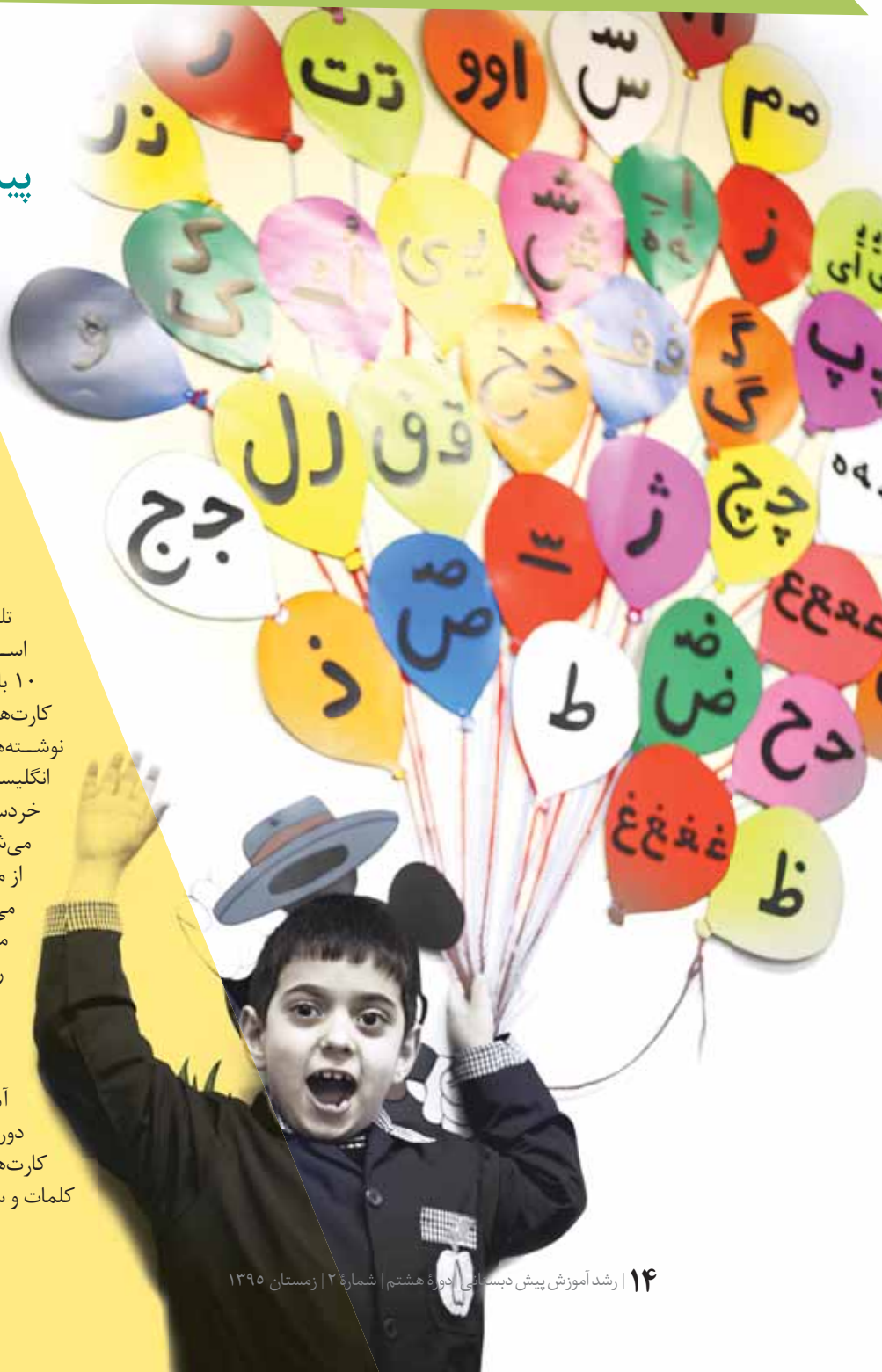


# پیش دبستانی‌ها با آموزش الفبا نابغه می‌شوند؟

نقدی بر آموزش الفبا و  
خواندن در واحدهای  
پیش دبستانی و خانواده‌ها

## اشاره

«بالا؟ بالاتر؟ آهان فهمیدم!  
بالا! بالای بالا! یا شاید هم  
بی‌بی اینشتین؛ و چیزی توی  
مایه‌های: کارت‌های حافظه!» این‌ها،  
نمونه‌هایی از تبلیغات تلویزیونی  
مکرری است که این روزها چون بهمن،  
بر سر اولیا فرود می‌آید.  
برای آن‌هایی که حواسشان به تبلیغات  
تلویزیون و نیز برخی شبکه‌های ماهواره‌ای  
است، به‌ویژه تبلیغاتی که در روز دست‌کم  
۱۰ بار پخش می‌شود، این تصاویر آشناست: «  
کارت‌هایی نشان داده می‌شود که روی آن‌ها  
نوشته‌هایی به زبان فارسی و در برخی مواقع  
انگلیسی، نوشته شده است. کارت به کودک  
خردسالی که ۲ تا ۶ سال دارد، نشان داده  
می‌شود و او که در حال غلت زدن یا حرکت  
از مکانی به مکان دیگر است و چنین وانمود  
می‌کند که به پرسش‌کننده - که اغلب  
مادر اوست، توجهی ندارد، پاسخ صحیح  
را می‌گوید و به عبارتی، قبل از آنکه وارد  
دبستان شده باشد، به راحتی کلمات را  
می‌شناسد و می‌خواند.»  
در ادامه این تبلیغات رسانه‌ای، از  
آموزش کلمه به جمله می‌رسیم؛ بچه‌هایی  
دور یک میز نشسته‌اند و یکی از آن‌ها از روی  
کارت‌های کلماتی که به‌دنبال هم قرار گرفته‌اند،  
کلمات و سپس جمله ساخته شده از همان کلمات را



می‌گوید و بقیه حدس می‌زنند که ماجرا از چه قرار است و چه معجزه‌ای در راه است. بعد هم بسنته آموزشی مورد نظر روی میز می‌آید و بقیه داستان. در بین تبلیغ هم جمله‌هایی از این گونه رد و بدل می‌شود: «بچه‌های امروز هوش سرشاری دارند و باید از آن خوب استفاده کنند» یا: «از وقتی با این روش به فرزندم زبان یاد می‌دهم، خسته نمی‌شود» و... آنچه مسلم است که هدف اصلی همه این گونه بسته‌های آموزشی، آموزش زبان به کودکان، پیش از ورود به مدرسه و در سنین پیش‌دبستانی است.

اما چقدر این هدف صحیح است؟ آیا همه کودکان پیش‌دبستانی به فراگیری حروف الفبا به این شکل نیاز دارند؟ اگر دارند، چرا و اگر ندارند، چرا؟ در نوشته‌ای که پیش‌رو دارید، سعی شده است در حد اجمال، به این پرسش‌های شما خوانندگان محترم مجله و اولیای گرامی پاسخ داده شود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش الفبا، پیش‌دبستانی، کارت‌های الفبا، بسته آموزشی، برنامه درسی پیش‌دبستانی

### دیگران چگونه عمل می‌کنند؟

سن رسمی شروع آموزش به کودکان برای دوره آمادگی در بعضی کشورها پایان ۵ سالگی و شروع ۶ سالگی و زمان ورود به مدرسه، پایان ۶ سالگی و آغاز ۷ سالگی است. در کشور ما نیز زمان ورود به دوره آمادگی یا همان پیش‌دبستانی، شروع ۶ سالگی و سن شروع دوره دبستان، آغاز ۷ سالگی است. این زمان‌ها به‌عنوان سن استاندارد برای آموزش مفاهیم دوره پیش‌دبستانی و دبستانی در نظر گرفته شده است. البته استثناهایی هم هست؛ برای مثال، در بعضی کشورها سن شروع آمادگی پایان ۴ سالگی و شروع ۵ سالگی است اما در بیشتر کشورها، سن استاندارد سنینی است که به آن اشاره شد. بنابراین، اولین مسئله‌ای که باید در انتخاب آغاز سن آموزش در نظر گرفت، سن قانونی شروع

آموزش اولیه یا پیش‌دبستانی و سن مناسب شروع آموزش دوره ابتدایی است.

### مروری بر اصول یازده‌گانه دوره پیش‌دبستانی در ایران

شکی نیست که هر آموزشی، هدفی را دنبال می‌کند. این اصل در همه مباحث آموزشی وجود دارد. در برنامه درسی دوره پیش‌دبستان، که توسط دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تدوین شده و شورای عالی آموزش و پرورش آن را تصویب کرده، برای آموزش کودکان پیش‌دبستانی، ۱۱ هدف اصلی در نظر گرفته شده است. هر یک از این اهداف نیز زیرهدف‌هایی دارند که در اینجا فهرست‌وار، فقط به اهداف اصلی اشاره می‌کنیم. البته ممکن است در ابتداء از نظر شما آشنایی با این اهداف یازده‌گانه - با بحثی که آغاز کرده‌ایم - به طور کامل مرتبط جلوه نکند؛ لذا انتظار داریم عجلتاً هدف‌ها را مرور کنید تا بعد، برایتان بیشتر توضیح بدهیم.

### اهداف یازده‌گانه

**۱. پرورش مهارت‌های جسمی و حرکتی:** این اصل با هدف آموزش و تقویت مهارت‌های جسمی و حرکتی به کودکان طراحی شده است. اغلب این مهارت‌ها در قالب بازی به کودکان آموزش داده می‌شود. برای مثال، در این روش کودکان با بازی لی‌لی می‌توانند حفظ تعادل را یاد بگیرند. می‌بینید که پرورش مهارت جسمی و حرکتی، به‌عنوان یک هدف اصلی، می‌تواند زمینه‌ساز ورود به یادگیری‌های بعدی شود. حفظ تعادل از مهارت‌هایی است که کودکان بعدها در بسیاری از کارها، از جمله نوشتن، به آن نیازمندند.

**۲. پرورش روحیه و رفتار عاطفی:** به کودکان آموزش داده می‌شود که چگونه احساسات و هیجان‌های خود را شناسایی، کنترل و ابراز کنند. برای رسیدن به این هدف آموزشی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند

که چگونه با دیگران همدلی و همکاری داشته باشند. از طرفی می‌آموزند که در صورت مبتلا شدن به غم و اندوه چگونه آن را به‌درستی بروز دهند. تحقق این هدف، زمینه‌ساز حرکت به سوی آموزش مهارت‌های زندگی و نیز هوش‌های هیجانی در کودکان است.

### ۳. پرورش مهارت‌های ذهنی:

افزایش دقت و تمرکز، آموزش شیوه تفکر منطقی و حل مسئله، پرورش خلاقیت، تقویت روحیه پرسشگری و شناسایی و تقویت حواس پنج‌گانه و... از مباحثی هستند که آموزش آن‌ها در این بخش قرار دارد. یکی از مهم‌ترین آموزش‌ها در این دوره، تمرکز بر ارتقای سطح حافظه است.

### ۴. پرورش صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی:

این آموزش، حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی کودک را مدنظر قرار داده است. تمایل به گوش کردن حرف دیگران، احترام و انعطاف‌پذیری از اهداف این بخش از آموزش است.

### ۵. انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن:

این هدف با برنامه‌ریزی‌های متعدد و به‌صورت کاملاً مجزا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و هدف از آن، علاقه‌مند ساختن نوآموزان به قرآن توأم با لذت بردن از این کتاب آسمانی و هدایتگر و انس گرفتن با آن از کودکی است.

### ۶. پرورش ذوق هنری و زیبایی‌شناسی:

جلب توجه کودکان به محیط اطراف و آموزش ساخت کاردستی، آموزش رنگ‌ها، نقاشی، بیان و خلق داستان و... از اهداف این بخش از آموزش است.

### ۷. تقویت حس دینی و اخلاق مذهبی:

آشنایی با خدا، پیامبران، ائمه هدی و نعمت‌های خدادادی و رعایت آداب و

اخلاق

مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از جمله مقوله‌هایی است که این هدف مد نظر قرار می‌دهد.

**۸. پرورش هویت ملی:** آموزش و پرورش تعلقات دینی و ملی، شناخت و احترام به نمادهای ملی، آشنایی اجمالی با نمادهای ملی مانند پرچم، نقشه کشور و آشنایی با آداب و رسوم ملی و مذهبی در این سرفصل مورد توجه قرار می‌گیرد.

**۹. پرورش مهارت‌های زبانی:** در این بخش تأکید بر خوب گوش دادن، درک پیام‌های کلامی و غیرکلامی، حرف زدن و خوب حرف زدن، به‌ویژه در جمع، خواندن در حد برقراری ارتباط بین نمادها و کلام، نوشتن به معنی توانایی به دست گرفتن قلم و نقاشی کردن، وصل کردن خط‌چین و ... است. این اصل، کلی و مربوط به همه مناطق کشور است، ولی برای مناطق و استان‌هایی که کودکان دوزبانه دارند، مانند شهرها و روستاهای ترک‌زبان مناطق شمال غرب کشور (آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان)، مناطق کردزبان، عرب‌زبان، بلوچ، ترکمن و ... در کنار فراگیری و آشنایی کودکان با زبان رسمی کشور، تأکید ویژه‌ای نیز به توجه به زبان‌های مادری و محلی کودکان مبذول شده است.

**۱۰. ارتقای سطح بهداشت و ایمنی:** برای رسیدن به این هدف، کودکان یاد می‌گیرند چگونه نظافت و ایمنی فردی را رعایت کرده، خود را در مقابل خطر مراقبت کنند؛ برای مثال آموزش حفظ ایمنی خود و دیگران در حوادث غیرمترقبه از آموزش‌های مرتبط با هدف دهم آموزش‌های پیش‌دبستانی است.

**۱۱. آشنایی با محیط زیست و علاقه به طبیعت و حفظ آن:** در این بخش، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه از منابع طبیعی به درستی استفاده کنند، آن‌ها را هدر ندهند و اسراف نکنند. برای

## نخستین پریشی که والدین باید از خود بپرسند این است: چه عجله‌ای برای آموزش الفبا وجود دارد؟ چرا

باید کودک زودتر از زمان مقرر الفبا را یاد بگیرد؟

مثال،

آموزش صرفه‌جویی

در منابع طبیعی مانند برق، آب، گاز و ... از آموزش‌هایی است که در این بخش قرار می‌گیرد. مدت زمان انجام هریک از این فعالیت‌ها نیز در اهداف یازده‌گانه مد نظر قرار گرفته است و براساس آن، زمان آموزش باید تنظیم شود. بنابراین، در دوره پیش‌دبستانی مربیان آموزشی باید براساس همین برنامه، به کودکان آموزش دهند و خارج از این چارچوب نه تنها آموزش قانونی نیست بلکه اصلاً به نفع دانش‌آموز نیست.

## آموزش الفبا هدف دوازدهم نیست!

یک بار دیگر یازده هدف آموزشی را مرور کنید. چه نکته یا نکته‌های بارزی در آن‌ها دیده می‌شود؟ چرا آموزش حروف الفبای فارسی و تأکید بر خواندن، در این راهنمای برنامه درسی به چشم نمی‌خورد؟ چرا با وجود اینکه مطابق این برنامه‌ریزی در اهداف آموزشی کودکان دوره پیش‌دبستانی، «پرورش مهارت‌های زبانی» وجود دارد، در این اهداف، به هیچ‌وجه به آموزش الفبای فارسی اشاره نشده است؟ در واقع، براساس نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی، آموزش زبان در دوره پیش‌دبستانی به معنای یادگیری حروف الفبای فارسی، نوشتن آن‌ها و کلمه یا جمله‌سازی با این حروف نیست.

## نگران چه هستید؟!

آیا والدین نگران‌اند که مبدا فرزندان‌شان عقب بیفتند؟! عقب افتادن از چه؟ عقب افتادن از دوران کودکی و حذف این دوران و گام گذاشتن در دوره پر درسر بزرگسالی؟ درصدد پاسخ دادن به این پرسش‌ها نیستیم و اینکه چه عواملی باعث ایجاد این اضطراب‌ها و استرس‌ها در والدین شده است، موضوع بحث ما

نیست؛

اما مهم این است که والدین به دلیل وجود تبلیغات نامناسب آموزشی و جریان‌های بازارمحوری که از همان ابتدای دوران تحصیل فرزندان تحت عنوان گوناگون از جمله المپیاد، تیزهوشان، یوسی‌م، ریاضیات چرتکه‌ای، سازه ماکارونی و ... به راه افتاده است، هراس دارند که فرزندان‌شان در زمینه آموزش، از همسالان خویش عقب بمانند و این اضطراب را اغلب به کودکان‌شان نیز منتقل می‌کنند. اما ببینیم چرا آموزش الفبا در زمره اهداف یازده‌گانه قرار نگرفته است.

## چرا آموزش الفبا، نه؟

نخستین پریشی که والدین باید از خود بپرسند این است: چه عجله‌ای برای آموزش الفبا وجود دارد؟ چرا باید کودک زودتر از زمان مقرر الفبا را یاد بگیرد؟ از طرفی، اگر در آموزش تسریع شود، چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد؟ چه لزومی دارد که کودک زودتر از زمان مقرر و استانداردی که تعیین شده است، حروف الفبا را بیاموزد؟

از خودتان بپرسید وقتی کودک وارد مدرسه شد، به فرض آنکه به حروف الفبا مسلط باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا برای او آموزش جداگانه‌ای در نظر خواهند گرفت؟ آیا این مسئله برای او برتری به حساب می‌آید؟ آیا کودکی که حروف الفبا را بلد است، می‌تواند زودتر از همسالانش کتاب درسی را تمام کند؟

## آسیب‌های دیگر

کارشناسان در مورد کاستی‌های استفاده از کارت‌های حافظه زبان در دوره پیش‌دبستانی و تسلط بر حروف الفبا، موارد دیگری را نیز فهرست می‌کنند:

\* تسهیل‌کننده نیست: برخلاف





تصو ر

والدین، تسلط بر

حروف الفبا در روند آموزش کودک تأثیر شاخصی نخواهد داشت. در واقع، این کار روند آموزش او را تسهیل نمی‌کند؛ به این دلیل که شیوه آموزش در مدرسه متفاوت و مبتنی بر تدریج و پختگی است و کودک باید با این شیوه آموزشی پیشرفت کند و به تدریج، مباحث درسی را یاد بگیرد.

حک

می‌شود. دفعه بعد و

نیز دفعات بعد، آهنگ همان صدا در ذهنشان طنین‌انداز می‌گردد و به این ترتیب، بخشی از آموزش از طریق تکرار حروف، آواها، کلمه‌ها و ... از راه تکرار این مفاهیم با یک یا دو صدای ثابت صورت می‌گیرد.

برای اینکه از شیوه نادرست آموزش با این کارت‌ها مطمئن شوید، کافی است با حروف الفبا، تعدادی کلمه را روی کارت‌های تازه طراحی کنید و کارت‌های جدید را به کودکانی که با همان کارت‌ها آموزش دیده‌اند، نشان دهید. کودک، اغلب نمی‌تواند کلمه‌ها را تشخیص دهد. به این دلیل که کودکانی که با آن کارت‌ها آموزش دیده‌اند، «شرطی» شده‌اند و فقط می‌توانند همان کارت‌ها را شناسایی کنند.

در واقع، تکرار و تمرین این کودکان را شرطی کرده است و چون آن‌ها به‌طور واقعی و اصولی حروف الفبا را آموزش ندیده‌اند، نمی‌توانند کارت‌های جدید را شناسایی کنند. پس، این هم تأییدی بر آن است که شیوه آموزش با این کارت‌ها مفید نیست.

### مقید به کتاب‌های درسی

نیستند

در شیوه‌های جدید آموزش زبان در دوره دبستانی، آموزگار مقید نیست که برای درس دیکته، فقط از کلمه‌های کتاب درسی استفاده کند. در واقع، دانش‌آموزان دوره ابتدایی و به‌طور ویژه اول ابتدایی

کلمه‌های

خارج از کتاب درسی را

هم می‌آموزند. به همین دلیل، واژه‌هایی که کودکان امروز فرا می‌گیرند، از نظر تنوع و تعداد بیش از واژه‌هایی است که دانش‌آموزان قبلاً در دوره ابتدایی می‌خواندند. از طرفی، آموزش آن‌ها به روش کل به جزء صورت می‌پذیرد؛ به این معنی که آن‌ها ابتدا حروف را فرا نمی‌گیرند که بعد به سراغ لغت‌ها بروند. به همین دلیل است که کودکان دبستانی، امروزه زودتر از بچه‌های دوره ابتدایی سابق می‌توانند کلمه‌ها را بخوانند. بنابراین، با یک حساب سرانگشتی ساده، می‌توان به این نتیجه رسید که استفاده از کارت‌های آموزشی، فقط باعث آموزش سطحی و نامناسب کودکان با استفاده از اصل شرطی شدن می‌شود.

### این راهش نیست

با توجه به همه مواردی که درباره آموزش زبان و الفبای فارسی با استفاده از کارت‌های آموزشی بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که این کارت‌ها نه تنها وسیله‌ای برای آموزش درست زبان و الفبا نیستند بلکه با شرطی کردن کودکان، باعث می‌شوند آن‌ها فقط برخی کلمه‌ها و حروف محدود را یاد بگیرند. در واقع، برخلاف تصور اولیا این کارت‌ها عملاً آموزش کودکان را جلوتر نمی‌اندازد و باعث رشد جهشی آن‌ها نمی‌شوند.

### \* مزاحمت ایجاد می‌کند: وقتی

آموزگار کلاس اول درحال آموزش کلمه‌های کلیدی است، کودکی که پیش از کلاس اول حروف الفبا را آموخته است، برای او مزاحمت ایجاد می‌کند. این کودکان روند آموزش را مختل می‌کنند و نمی‌گذارند آموزگار آموزش را طبق روند معقول خود به نتیجه برساند.

### \* دل‌زدگی: کودکان دل‌زده اغلب در

کلاس اول علاقه‌ای به یادگیری ندارند و پس از گذشت دقایقی از شروع تدریس آموزگار، احساس خستگی کرده شروع به شیطنت می‌کنند. از طرفی، ممکن است از رفتن به مدرسه دل‌زده شوند و از این کار اکراه داشته باشند.

### یادگیری شرطی: صدا در گوش

طنین‌انداز می‌شود!

یکی دیگر از دلایلی که کودکان با استفاده از این کارت‌ها می‌توانند الفبا، یا بهتر بگوییم، شکل کلمات را به خاطر بسپارند، این است که در حین آموزش، تکرار و تمرین، صدای مادر، مربی یا هر فرد دیگری که با استفاده از این کارت‌ها به آن‌ها آموزش می‌دهند، در ذهنشان



می‌کند.  
مادر کودک  
دیگر، دربارهٔ  
فرزندش می‌گوید: «از  
زمانی که از این بسته آموزشی  
استفاده می‌کنم، فرزندم از آموزش  
زبان فراری نیست و خسته نمی‌شود.»

طبیعی است هر کس با دیدن چنین  
ویژگی‌هایی در یک بسته آموزشی،  
تشویق می‌شود تا یکی از آن‌ها را برای  
فرزندش تهیه کند اما به نظر شما،  
کودکانی که در این تصاویر به راحتی و  
شادمانه کلمه‌ها را تکرار می‌کنند، پس  
از چندین بار تکرار و تمرین به این حد  
رسیده‌اند؟ ۱۰ بار، ۲۰ بار، ۴۰ بار؟ چند  
بار؟

در تصاویر سینمایی این قبیل بسته‌ها،  
ما تنها آخرین برداشت از تکرار کلمه‌ها  
توسط کودک را می‌بینیم. این تصویر،  
نخستین تصویر از آموزش یک کلمه به  
کودکان نیست. مسلماً کودک باید بارها  
تصاویر این کارت‌ها را دیده و کلمه‌ها  
برایش تکرار شده باشد تا بتواند آن‌ها  
را شناسایی کند. بنابراین، طبیعی است  
که با چندین بار تکرار، کودک کلمه را  
یاد بگیرد و آن را به راحتی ادا کند. این  
همان «شرطی شدن» است؛ بنابراین،  
گول حقه‌های سینمایی را نخورید.  
طبیعی است کودک که برای حداقل  
پنجاهمین بار یک کارت را می‌بیند،  
می‌تواند آن را به راحتی شناسایی کند.

مفاهیم  
را از طریق  
دیدن، به خاطر  
می‌سپارد. یادمان نرفته  
است که این دیدن بارها و  
بارها اتفاق می‌افتد و حالتی از شرطی  
شدن را در کودک ایجاد می‌کند اما این  
شیوه آموزشی، از لحاظ یادگیری در  
پایین‌ترین سطح کیفی ممکن است.  
به این دلیل که براساس روان‌شناسی  
یادگیری «رفتارگرایی» و رفتار مبتنی  
بر پاسخ کودک به محرک‌ها تنظیم شده  
است. بنابراین، بچه‌ها با دیدن همین  
کارت‌ها و به همین شیوه، کلمه‌ها را یاد  
می‌گیرند. با وجود تشابه روش از کل به  
جزء در دو شیوه آموزشی رسمی مدرسه‌ای  
و کارت‌های آموزشی، به دلیل تکرار بدون  
فهم، ایرادهایی بر کارت‌ها مترتب است  
که به برخی از آن‌ها اشاره شد.

### یک حقه سینمایی

در تصاویر تبلیغاتی برخی از این  
بسته‌های آموزشی، کودک با خوشحالی  
و به سرعت کلمه‌ها را تکرار می‌کند.  
مادران چند کودک که کنار هم  
نشسته‌اند، در توضیح میزان فراگیری  
فرزندشان، هر کدام به نکته‌هایی به‌عنوان  
امتیاز اشاره می‌کنند و آن را توضیح  
می‌دهند. برای مثال، یکی از آن‌ها دربارهٔ  
تلفظ صحیح فرزندش صحبت می‌کند و  
توضیح می‌دهد که با شروع آموزش به  
این شیوه، فرزندش کلمات را درست ادا

### آیا کارت‌ها واقعاً معجزه می‌کنند؟

کارت‌ها واقعاً چه چیزی را و چگونه به  
بچه‌ها آموزش می‌دهند؟ در آموزش از  
طریق این کارت‌ها، از یک عنصر مهم،  
یعنی تکرار و تمرین و پرورش حافظه  
استفاده می‌شود. تکرار عامل اصلی  
فراگیری کودک است و آموزش بر پایهٔ  
روش «گشتالتی» یا از «کل» به «جزء»  
صورت می‌گیرد. این روش، همان شیوهٔ  
مورد استفاده در کتاب‌های درسی است،  
ولسی اتفاق و نتیجه‌ای که می‌افتد، بر  
عکس است. در این شیوه، کودک:

۱. کل را می‌بیند: کودک در این روش،  
چندین بار کارت را می‌بیند. این همان  
کل است که کودک آن را بارها می‌بیند.

۲. حافظهٔ کودک: کودک پس از دیدن  
کارت، آن را به ذهن می‌سپارد، در واقع،  
کودک با دیدن چندین بارهٔ کارت‌ها،  
آنچه را روی کارت‌ها نوشته شده است،  
به ذهن می‌سپارد.

۳. قدرت مشاهده: کودک دارای  
قدرت مشاهده است و به همین دلیل،

### منابع

۱. برنامه درسی دوره پیش دبستانی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۸). منتشر شده در قالب کتاب همراه با ضمیمه آموزش الفبا در مناطق دوزبانه. تهران. انتشارات مدرسه.
۲. مجدفر، مرتضی (۱۳۹۲). ۴ بازی خلاق. تهران: انتشارات پیشگامان پژوهش مدار.
۳. مجدفر، مرتضی (۱۳۹۵). بسته آموزشی، برنامه درسی و یادگیری اثربخش. تهران: مرکز نوآوری‌های مرآت (چاپ سوم)